

فصل اول:

کلیات تحقیق

## فصل اول - کلیات تحقیق

### ۱-۱ - مقدمه:

یکی از اهداف اقتصاد هر کشوری رسیدن به اشتغال بالا می باشد که سیاستگذاران اقتصادی باید همواره واکنش تغییرات اشتغال را نسبت به تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی مدنظر قرار دهند (جویس و کاماس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در ایران نیز یکی از سیاستها برای کاهش بیکاری تغییر نرخ ارز واقعی می باشد. لازم به ذکر است که در بسیاری از مطالعات تجربی، نرخ ارز واقعی به عنوان یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر اشتغال قلمداد شده است که این تاثیر، بسته به نوع اقتصاد هر کشور و نوع نظام ارزی می تواند متفاوت باشد (ادواردز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹).

با توجه به اهمیت اشتغال در اقتصاد ایران و همچنین اثر قابل ملاحظه ی نرخ ارز واقعی بر این متغیر کلان اقتصادی، تحقیق حاضر به بررسی اثر نرخ ارز واقعی بر اشتغال می پردازد.

### ۱-۲ - شرح و بیان مساله

با یکپارچگی اقتصاد جهانی و توسعه ی روز افزون تعاملات بین المللی، کشورها دیگر نمی توانند در اتخاذ سیاستهای کلان اقتصادی نقش بخش خارج ی اقتصاد را نادیده بگیرند. همگرایی فزاینده ی بازار سرمایه، بعد از برچیده شدن نظام برتون وودز، به همراه موج عظیم آزاد سازی های مالی از دهه ۱۹۸۰ به بعد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، توجه به نرخ ارز واقعیو تغییرات آن را بیش از پیش جذاب

---

<sup>1</sup>Joyce and kamas

<sup>2</sup>Edwards

کرده است (پرمینگر و فرانک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). تغییرات نرخ ارز واقعی از جهات مختلفی بر اقتصاد هر کشور تاثیر می‌گذارد. این تاثیر می‌تواند به صورت تغییرات نسبت کالاهای قابل تجارت به کالاهای غیر قابل تجارت، تغییرات تراز تجاری و تغییرات رابطه‌ی مبادله بین کالاها بروز یابد. لذا نرخ ارز واقعی می‌تواند به عنوان قیمت‌داری تلقی شود و نیز تاثیرات معنی‌داری بر طرف عرضه و تقاضای اقتصاد داشته باشد. نرخ ارز واقعی هم‌چنین بر تخصیص منابع، رشد اقتصادی، اشتغال و تورم تاثیر می‌گذارد. همه‌ی این عوامل نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصادی هر کشور ایفا می‌کند (هوآ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). علی‌رغم ادبیات وسیع نرخ ارز واقعی و نیز کارهای تجربی انجام شده در زمینه تاثیر نرخ ارز واقعی بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تاثیر پذیری اشتغال از نرخ ارز واقعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در این پایان‌نامه تاثیر نرخ ارز واقعی بر تحولات اشتغال ایران بررسی می‌شود.

### ۱-۳- معرفی برخی مفاهیم و اصطلاحات:

ارز: ارز به پول‌های رایج خارجی اطلاق می‌شود. برخی از ارزهای مهم در ایران عبارتند از دلار آمریکا، یورو، پوند استرلینگ، فرانک سویس و ین ژاپن. همان‌طور که اسکناس و مسکوکات، بخشی از پول یک کشور را تشکیل می‌دهد، لذا ارز فقط به اسکناس و مسکوکات خارجی محدود نشده و چک بانکی، حواله، چک مسافرتی، سفته و برات را هم شامل می‌شود.

نرخ ارز: قیمت (نرخ) هر واحد مبادله پول رایج یک کشور با پول رایج کشور دیگر، طلا، یا حق برداشت مخصوص را در اصطلاح نرخ ارز می‌گویند. این مبادلات عموماً نقدی و یا وعده‌دار در بازار ارز انجام می‌گیرند. در هر لحظه، نرخ واقعی هر ارز توسط عرضه و تقاضای مربوط در بازار تعیین می‌شود.

<sup>1</sup>Preminger and Franck

<sup>2</sup>Hua

عرضه و تقاضا نیز به نوبه‌ی خود به کسری یا مازاد ترازهای پرداخت‌های هر کشور، تقاضا برای پول جهت پرداخت تعهدات، و نیز انتظارات مربوط به تغییرات آتی نرخ بستگی دارد. هر گاه هیچ‌گونه کنترل دولتی بر بازار ارز نباشد، آن‌گاه نظام کامل نرخ شناور ارز وجود خواهد داشت.

در یک نظام کاملاً شناور به ذخایر طلا و ارزنیازی نیست، زیرا نرخ مبادله خود به خود تا هنگام برابری عرضه و تقاضا تعدیل خواهد شد. نظریه برابری قدرت خرید. (طبق مقررات صندوق بین‌المللی پول که پس از جنگ جهانی دوم در برتن وودز به تصویب رسید، ارزش اسمی نرخ‌های مبادله ارزها نسبت به دلار تثبیت شد، ضمن آن‌که نوسانی به میزان ۱- و ۱+ درصد مجاز شمرده شده بود. دلار خود تابع این محدودیت نبود، زیرا دولت ایالات متحده آمریکا متعهد شده بود تا هر زمان در برابر یک اونس طلا ثابتی به میزان ۳۵/۰۸۷۵ دلار بپردازد. در ماه اوت سال ۱۹۷۱ میلادی ایالات متحده آمریکا تسعیر پذیری دلار به طلا و دیگر پول‌ها را مبلغی اعلام کرد و با بستن ۱۰ درصد مالیات اضافی بر واردات و اعمال دیگر سیاست‌ها راه از میان بردن کسری تراز پرداخت‌های خود را در پیش گرفت. در پی آن، برخی پول‌های مهم مجاز به نوسان شدند، لیکن برای حفظ این تغییرات در یک محدوده معین می‌بایست مقررات کنترل ارز را رعایت کنند (لارنس و مونتیل، ۱۳۸۵).

**نرخ واقعی ارز:** پدیده‌ای واقعی است که قیمت نسبی دو کالا را ارزیابی می‌کند؛ معیاری است که سطح رقابت‌پذیری اقتصادی یک کشور در بازارهای جهانی را نشان می‌دهد. این متغیر به صورت نسبت قیمت کالاهای قابل تجارت به قیمت کالاهای غیر قابل تجارت تعریف می‌گردد. اگر چه این تعریف از نقطه نظر تئوریک سودمند است، اما محاسبه‌ی آن به علت عدم دسترسی به اطلاعات بسیار دشوار به نظر می‌رسد به همین لحاظ و بر اساس نظریه‌ی قدیمی تساوی قدرت خرید به صورت نرخ اسمی تعدیل شده \_ از طریق سطح عمومی قیمت‌ها \_ در خارج و داخل بیان می‌گردد (لارنس و مونتیل، ۱۳۸۵).

در این معیار برای به دست آوردن نرخ ارز حقیقی از شاخص قیمت مصرف کننده دو طرف تجاری استفاده می‌شود. این تئوری بیان می‌کند نرخ ارز خارجی از نسبت بین قدرت خرید واقعی پول دو کشور به دست می‌آید. در این حالت نرخ ارز حقیقی از رابطه زیر به دست می‌آید.

$$RER = ER \frac{P_t^f}{P_t^d} \quad (1-1)$$

که در آن  $RER^1$ ، نرخ واقعی ارز؛  $ER^2$ ، نرخ اسمی ارز،  $P^f$ ، سطح عمومی قیمت‌های خارجی (دلار) و  $P^d$ ، سطح عمومی قیمت‌های داخلی به عنوان تقریبی از قیمت کالاهای قابل تجارت و غیر قابل تجارت می‌باشند.

#### ۴-۱- حدود تحقیق

دوره‌ی زمانی مورد نظر در این پایان‌نامه ۸۷-۱۳۵۰ و کشور مورد مطالعه ایران است.

#### ۵-۱- سوال تحقیق

آیا کاهش نرخ ارز واقعی تاثیر منفی و معنی‌داری بر اشتغال در کشور ایران دارد؟

#### ۶-۱- فرضیه تحقیق

کاهش نرخ ارز واقعی تاثیر منفی و معنی‌داری بر اشتغال در کشور ایران دارد.

<sup>1</sup> Real Exchange Rate

<sup>2</sup> Exchange Rate

## ۱-۷- ساختار تحقیق

در فصل اول به کلیات تحقیق پرداخته شد. در فصل دوم ادبیات موضوع مربوط به نرخ ارز واقعی و اثرگذاری نرخ ارز واقعی بر اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل سوم به معرفی نرخ‌های ارز، تحولات ارزی ایران، تحولات اشتغال در ایران و روش تحقیق می‌پردازد. در فصل چهارم الگوهای مورد استفاده در این پژوهش و روش برآورد آرایه شده است. در فصل پنجم خلاصه‌ای از روند انجام پژوهش، نتایج و پیشنهادها آرایه شده است.

# فصل دوم:

## مروری بر ادبیات

### موضوع

## فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع

### ۲-۱- مقدمه

دستیابی به سطح اشتغال بالا یکی از مهم ترین اهداف اقتصادی در هر کشوری است. به همین جهت تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر اشتغال از مباحث اصلی مورد توجه اقتصاددانان و سیاستگذاران اقتصادی است. نرخ ارز واقعی یکی از متغیرهای اثر گذار بر سطح اشتغال است. تأثیر نرخ ارز واقعی بر اشتغال، بسته به نوع اقتصاد هر کشور و نوع نظام ارزی می‌تواند متفاوت باشد (جویس و کاماس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

نرخ ارز و تغییرات آن، تقاضای کل را از طریق صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری و تقاضای پول، و نیز عرضه‌ی اقتصاد را از کانال هزینه‌ی کالاهای واسطه‌ای وارداتی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین برآیند این دو اثر بر تولید و اشتغال بستگی به شرایط اولیه‌ی اقتصاد دارد. به‌طور کلی در بازار کالاها افزایش نرخ ارز واقعی سبب گران شدن کالاهای وارداتی و ارزان‌تر شدن کالاهای صادراتی خواهد شد و در نتیجه، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی را در بر خواهد داشت.

در طرف عرضه می‌توان استدلال کرد که در کشورهای در حال توسعه افزایش نرخ ارز واقعی (کاهش ارزش پول ملی)، سبب افزایش هزینه‌ی وارداتی کالاهای واسطه‌ای (نهاده‌های وارداتی) و در نتیجه گران‌تر شدن نهاده‌های تولیدی وارداتی می‌شود و بدین ترتیب موجبات افزایش هزینه‌های تولید را نیز فراهم می‌آورد که اصطلاحاً تورم وارداتی نامیده می‌شود. افزایش هزینه‌های نهاده‌های وارداتی موجب کاهش تولید و اشتغال در صنایعی می‌شود که در فرآیند تولید از نهاده‌های وارداتی استفاده می‌کنند.

---

<sup>1</sup>Joyce and Kamas



## ۲-۲- کانال‌های اثر گذاری نرخ ارز واقعی بر اشتغال

با یکپارچگی اقتصاد جهانی و توسعه‌ی روزافزون تعاملات بین‌المللی، کشورها دیگر نمی‌توانند در اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی نقش بخش خارج‌ی اقتصاد را نادیده بگیرند. در نظام بین‌المللی، نرخ ارز واقعی حلقه‌ی اتصال هر کشور با بقیه جهان چه در بازار کالا و چه در بازار دارایی‌ها است. همگرایی فزاینده‌ی بازار سرمایه، بعد از برچیده شدن نظام برتون وودز، به همراه موج عظیم آزادسازی‌های مالی از دهه ۱۹۸۰ به بعد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، توجه به نرخ ارز واقعی و تغییرات آن را بیش از پیش جذاب کرده است (پرمینگر و فرانک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). بحث اثرگذاری نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی یکی از حوزه‌های جدالی علم اقتصاد است، در این خصوص آرا و عقاید متفاوتی ارائه شده است.

تغییر نرخ ارز از طریق تغییر صادرات و واردات، بر تراز تجاری کشور تأثیرگذار است. از یک طرف تغییر نرخ واقعی ارز، قدرت رقابتی صادرکنندگان را در برابر رقبای خارجی در بازارهای بین‌المللی تغییر می‌دهد. افزایش نرخ واقعی ارز، قیمت کالاها و خدمات صادراتی تولیدکنندگان داخلی را نسبت به قیمت‌های جهانی کاهش داده و در نتیجه بر قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی می‌افزاید و در نهایت منجر به افزایش صادرات کشور خواهد شد. همچنین افزایش نرخ واقعی ارز، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را افزایش داده و در نتیجه منجر به کاهش واردات کشور خواهد شد. در مقابل کاهش نرخ واقعی ارز، به افزایش واردات کشور می‌انجامد. کاهش نرخ واقعی ارز، از مسیر کاهش قدرت رقابتی صادرکنندگان، به کاهش صادرات کشور می‌انجامد. بنابراین در مجموع، افزایش نرخ واقعی ارز از طریق افزایش صادرات و کاهش واردات، به بهبود تراز تجاری منجر می‌گردد.

نرخ ارز واقعی (RER)<sup>۲</sup> از سه کانال بر اشتغال تأثیر می‌گذارد: کانال اول، اقتصاد کلان با توجه به نقش نرخ ارز واقعی در تعیین فعالیت و سطح اشتغال در کوتاه مدت و بلندمدت؛ دوم، کانال توسعه که به تأثیر نرخ ارز واقعی بر روی رشد اقتصادی و به تبع آن بر سرعت ایجاد شغل‌های جدید اشاره دارد و بیان

<sup>۱</sup>Preminger and Franck

<sup>۲</sup> Real Exchange Rate

می‌کند که افزایش نرخ ارز واقعی می‌تواند از طریق افزایش رشد اقتصادی صادر ات‌گرا، فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد نماید. زیرا با افزایش نرخ ارز واقعی، به دلیل کاهش قیمت نسبی کالاهای داخلی نسبت به خارج، تقاضا برای کالاهای داخلی افزایش یافته و در نتیجه صادرات بیشتر می‌شود و واردات کاهش خواهد یافت. لذا افزایش تقاضا برای کالاهای صادراتی منجر به انگیزش تولیدکنندگان برای گسترش تولید و جذب نیروی کار بیشتر می‌گردد (فرنکل و رس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

سوم کانال شدت نیروی کار که به نقش نرخ ارز واقعی در تأثیرگذاری شدت نیروی کار در فرآیندهای اقتصادی تمرکز دارد (فرنکل و تیلور<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

## ۲-۱-۲- کانال اقتصاد کلان

این کانال تأثیر نرخ ارز واقعی بر اشتغال را از دو رویکرد مورد بررسی قرار می‌دهد:

**الف) طرف تقاضا:** با ثابت در نظر گرفتن سایر عوامل تعیین‌کننده تقاضای کل، افزایش نرخ ارز واقعی منجر به افزایش هر چه بیشتر خالص صادرات و به تبع آن تقاضای بیشتر برای تولیدات داخلی، و سطح بالاتر تولید و اشتغال می‌شود. این بحث به صورت ایستای مقایسه‌ای است که فرض می‌کند سایر عوامل ثابت باشند. چرا که کاهش در سرمایه‌گذاری از دیگر عوامل موثر بر تقاضا متأثر از تغییرات نرخ ارز و کاهش ارزش پول داخلی است (فرنکل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

چگونگی اثرگذاری کاهش ارزش پول داخلی بر تولید به توانایی در ایجاد تغییر در ترکیب مخارج وابسته است. در حالت عدم اشتغال کامل منابع، و کاهش ارزش پول، چنانچه تقاضا برای کالاهای خارجی به کالاهای داخلی انتقال یابد، تغییر در ترکیب مخارج سبب افزایش تولید و نهایتاً اشتغال می‌گردد (ادواردز<sup>۴</sup>،

<sup>1</sup>Frenkel and Roz

<sup>2</sup>Frenkel and Taylor

<sup>3</sup>Frenkel

<sup>4</sup>Edwards

۱۹۸۹). با توجه به مطالب فوق، در این بخش اثرگذاری کاهش ارزش پول بر تولید به طور کامل، مشخص نیست.

در کشورهای در حال توسعه امکان دارد تولید واقعی و اشتغال با کاهش ارزش پول کاهش یابد. دلایل نظری چندی وجود دارد که بر خلاف نظریه ی سنتی، کاهش ارزش پول می تواند آثار انقباضی در پی داشته باشد و تولید و اشتغال را کم کند. کاهش ارزش پول می تواند توزیع مجدد درآمد را از گروه های با میل نهایی به پس انداز کم (دستمزد بگیران با دستمزدهای اسمی ثابت) به گروه های با میل نهایی به پس انداز بالا (صاحبان سود) تغییر دهد و منجر به کاهش تقاضای کل و تولید و اشتغال شود (کروگمن و تیلور<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸).

تفاوتها و تمایزهای مربوط به تعیین اثر نرخ واقعی ارز بر تولید از طریق رویکردهای کنترلی (کشش)، جذب و پولی بیان می شود. فروض اساسی این مدل ها انعطاف پذیر بودن قیمت، درجه ی استفاده از ظرفیت تولیدی و تکیه بر طرف تقاضای اقتصاد است. مطابق رویکرد کششی، در مدل کینزی فرض می شود که طرف تقاضا، محصول را تعیین می کند و بر طبق آن اثر کاهش اسمی ارزش پول بر محصول و اشتغال مثبت خواهد بود. برداشت جذبی از کاهش ارزش پول داخلی در نتیجه ی افزایش نرخ ارز واقعی بیان می کند که سیاست فوق زمانی مؤثر واقع می شود که: اولاً توانایی در انتقال مخارج از کالاهای وارداتی به سوی تولیدات داخلی وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر، مخارج از سوی کالاهای خارجی به طرف کالاهای داخلی انتقال یابد؛ ثانیاً ظرفیت تولیدی و منابع استفاده نشده وجود داشته باشد، تا انتقال مخارج به سوی تولیدات داخلی باعث افزایش محصول واقعی و اشتغال گردد. برداشت پولی بر آثار متقابل بین بخش خارجی و بخش پولی اقتصاد توجه دارد. این روش فرض می کند که برابری قدرت خرید مطلق<sup>۲</sup> (PPP) و آربیتراژ<sup>۳</sup> به طور دائم برقرار است و از منابع به طور کامل استفاده می شود. با این مفروضات، کاهش ارزش اسمی پول اثری بر تولید ندارد. زیرا بر اساس نظریه ی برابری قدرت خرید، کاهش ارزش اسمی پول اثر یک به یک بر قیمت های

<sup>۱</sup>Krugman and Taylor

<sup>۲</sup>Absolute Purchasing Power Parity

<sup>۳</sup>Arbitrage

داخلی خواهد داشت. بر اساس ساده ترین مدل برداشت پولی از تراز پرداخت‌ها، کاهش ارزش پول هیچ اثری بر تولید واقعی و یا اشتغال در کوتاه‌مدت و بلندمدت ندارد (ادواردز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

**ب) طرف عرضه:** در اغلب کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری داخلی به شدت وابسته به واردات کالاهای سرمایه‌ای است تا در تلفیق با سرمایه و منابع داخلی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در چنین شرایطی، با افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول داخلی هزینه‌ی واردات افزایش می‌یابد و در صورت کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری داخلی کاهش و در پی آن تقاضای کل نیز کاهش می‌یابد، لذا تأثیر کاهش نرخ ارز بر تولید و اشتغال از دیدگاه کینزی مبهم است (فرنکل، ۲۰۰۴).

اثر نرخ ارز واقعی بر اشتغال به قیمت‌های نسبی نهاده‌های وارداتی و دستمزد وابسته است. افزایش ارزش نرخ ارز واقعی به تغییر نرخ جانشینی میان نیروی کار و نهاده‌های تولیدی منجر می‌شود. قیمت‌های نسبی کالاهای سرمایه‌ای و دستمزد در کشورهایی که در آن نهاده‌های وارداتی بخش معنی‌داری از کالاهای سرمایه‌ای هستند از اهمیت بالایی برخوردار است. افزایش ارزش پول ملی (کاهش نرخ ارز واقعی) هزینه‌ی واردات نهاده‌های تولیدی را کاهش می‌دهد که می‌تواند نسبت سرمایه به نیروی کار را افزایش داده، استفاده از تکنولوژی‌های سرمایه‌بر را تشویق کرده و بر اشتغال اثری منفی داشته باشد. برعکس کاهش ارزش واقعی پول ممکن است نسبت سرمایه به نیروی کار را کاهش دهد و به افزایش اشتغال منجر گردد.

گسترش سطح فعالیت و اشتغال در اثر کاهش نرخ ارز تنها زمانی مشاهده خواهد شد که تأثیرات منفی بر تأثیر مثبت کاهش نرخ ارز غالب نباشند. یک شرط آشکار برای تأثیر مثبت کاهش نرخ ارز بر اشتغال وجود ظرفیت بیکار در اقتصاد است. این شرایط زمانی صادق است که سیاست‌ها بیشتر بر روی اشتغال متمرکز باشد تا تراز پرداخت‌ها. اگر ظرفیت اضافی سرمایه و نیروی کار وجود داشته باشد و تسلط اثرات انقباضی را بتوان از قبل پیش‌بینی کرد، کاهش ارزش پول واقعی باید با سیاست‌های انبساطی پولی و مالی همراه باشد (رحیمی بروجردی، ۱۳۷۷).

---

<sup>1</sup>Edwards

شواهد تجربی بر این نکته تأکید دارند که چنان چه کاهش ارزش اسمی پول با سیاست های مناسب کلان اقتصادی همراه باشد، موجب افزایش قدرت رقابت خارجی کشور شده، خالص صادرات را بهبود می بخشد

## ۲-۲-۲- کانال توسعه

این کانال به تأثیر نرخ ارز واقعی بر نرخ رشد اقتصادی و اشتغال زایی اشاره دارد. در مورد تأثیر نرخ ارز واقعی بر توسعه در سال های اخیر مطالعات تجربی گسترده ای صورت گرفته است.

در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات با موفقیت همراه بود ولی در دهه ی ۱۹۶۰ به تدریج آشکار گردید که فرآیند صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات، با موانع و مشکلات ساختاری روبروست. برای برون رفت از این مشکل بسیاری از پژوهشگران توصیه می کردند که کشورهای آمریکای لاتین و سایر کشورهای در حال توسعه می توانند با «توسعه صادرات» کالاهای صنعتی سطح اشتغال، تقاضای کل و درآمدهای ارزی خود را افزایش دهند. افزایش درآمدهای ارزی، به نوبه ی خود، می تواند واردات و در نتیجه امکان سرمایه گذاری آنها را افزایش دهد و در نهایت، تولید ناخالص داخلی و اشتغال این کشورها افزایش یابد.

بر اساس این استدلال، دو راهبرد «جایگزینی واردات» و «توسعه صادرات» در مقابل هم قرار می گیرند و کشورهای در حال توسعه می توانند برای صنعتی کردن خود یکی از این دو راهبرد را قبول و اعمال نمایند. ولی واقعیت این است که در هیچ یک از کشورهای موفق، یکی از این دو راهبرد به تنهایی اعمال نشده است. تجربیات رشد و توسعه اقتصادی تقریباً تمام کشورهای موفق جهان، نشان می دهد که بحث انتخاب میان این دو راهبرد فاقد اعتبار است، زیرا دو راهبرد «جایگزینی واردات» و «توسعه صادرات» مکمل یکدیگر هستند. کشورهای در حال توسعه باید مراحل معینی را طی نمایند تا امکان حضور آنها در بازارهای جهانی فراهم آید (نبیونی و همکاران، ۱۳۸۷).

اگر نرخ واقعی ارز به اندازه‌ی کافی انگیزه‌ی فروش در بازارهای بین‌المللی را افزایش دهد و صادرات را تشویق کند، می‌تواند به رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال منجر شود. این استدلال به اهمیت سیاست‌های ارزی برای افزایش سودآوری فعالیت‌های اقتصادی در جهت تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی تولید و اشتغال تاکید می‌کند (بالاسا<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱).

در انتخاب استراتژی توسعه بر ۲ عامل تاکید می‌شود: عامل محرک کوتاه‌مدت در جهت افزایش نرخ رشد، به عنوان شرط لازم اولیه؛ عامل دوم ایجاد نهادها و اجرای سیاست‌های مناسب برای حفظ نرخ بالای رشد در بلندمدت. فرمولی کلی منحصر به فرد برای غلبه بر شکست‌های بازار و تقویت انگیزه‌ی کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد ولی تاکید می‌کند که سیاست‌گذاری‌های ارزی بر فرآیند توسعه موثرند. سیاست‌های ارزی مناسب برای تسریع آهنگ توسعه نیز بسته به وضعیت و موقعیت خاص هر کشور متفاوت است (رودریک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸).

اجرای موفق سیاست‌های ارزی مناسب به اعمال سیاست‌های پولی مکمل و تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری وابسته است. سیاست نرخ ارز یکی از مناسب‌ترین ابزارهای سیاستی توسعه و حمایت از تولید و اشتغال داخلی است، زیرا بسیاری از کشورهای صنعتی (از جمله آلمان و ژاپن) در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی خود با اعمال سیاست حمایت از تولیدات داخلی، به وضعیت ممتاز کنونی دست یافته‌اند (فرنکل و تیلور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

## ۲-۲-۳- کانال شدت نیروی کار

نرخ ارز واقعی می‌تواند به وسیله‌ی اثرگذاری بر شدت نیروی کار بر اشتغال اثر گذارد. اثر مذکور نتیجه‌ی ایفای نقش نرخ ارز واقعی در تعیین قیمت‌های نسبی است. به عنوان نمونه، نرخ ارز واقعی عامل مهمی در تعیین «قیمت نسبی نیروی کار بر سرمایه» در کشورهای در حال توسعه است، زیرا کالاهای

<sup>1</sup> Balassa

<sup>2</sup> Dani Rodrik

<sup>3</sup> Frenkel and Taylor

سرمایه‌ای سهم مهمی در نهاده‌های وارداتی دارند. نرخ ارز متغیر اصلی در تعیین قیمت‌های نسبی نهاده‌های وارداتی به نیروی کار است. به عبارت دیگر، نرخ ارز واقعی ارزش میزان دستمزدها را در پول رایج بین‌المللی تعیین می‌کند.

وزن تمامی اثر نرخ واقعی ارز از کانال اشتغال بر روی «نسبت اشتغال بر تولید» فقط منحصر به تأثیر کوتاه‌مدت نیست. تغییر در نسبت اشتغال به تولید از طریق تغییر در ساختار تولید - در میان شرکت‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی- و همچنین به وسیله‌ی تغییر در کالاهای تولیدی در شرکت‌ها و بخش‌ها، تغییر در تکنولوژی و تغییر در سازمان دهی تولید اتفاق می‌افتد. اثرات ناشی از فرآیند بازسازی به تغییر در قیمت‌های نسبی در تمامی فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود (ادواردز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

این نظر در رابطه با اثرات شرح داده شده توسط کانال توسعه معتبر است. تغییرات در نسبت اشتغال به تولید به سرعت اتفاق نمی‌افتد، در فرآیند بازسازی در بنگاه‌ها و بخش‌ها، تغییر نسبت نیروی کار به سرمایه محتمل است. بنابراین در پی تغییر قابل توجهی در نرخ ارز واقعی، اثرات کل به صورت فرآیند تطبیق تدریجی اتفاق می‌افتد.

## ۲-۳- تأثیر پذیری اقتصاد ایران از تغییرات نرخ ارز

بر اساس نظریه‌ی بایبری قدرت خرید، نرخ ارز تابعی از نسبت شاخص قیمت داخل به خارج است. بنابراین، تفاضل مثبت نرخ تورم داخل با خارج باعث تقلیل ارزش پول داخلی و افزایش ارزش پول خارجی می‌شود. در نظام نرخ ارز شناور بدون مداخله‌ی دولت، عرضه و تقاضای پول در بازارهای ارز رابطه‌ی بین پول کشورها را مشخص می‌کند.

در نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده، دولت به خاطر برخی ملاحظات اقتصادی در بازار ارز مداخله می‌کند. مثلاً ارزش پول داخلی را با وجود این که به خاطر بیشتر بودن نرخ تورم داخل از خارج باید کاهش

<sup>1</sup>Edwards

یابد، ثابت نگاه می‌دارد. ارزش بیش از حد پول داخل باعث می‌گردد که واردات ارزان و صادرات گران شود و قدرت رقابت صادرکنندگان کاهش و تقاضا برای واردات افزایش یابد. بدین ترتیب، خالص صادرات که تفاوت بین صادرات و واردات می‌باشد، کاهش یافته و باعث کاهش درآمد ملی می‌شود

در سال‌های اخیر در ایران، مداخله‌ی دولت در بازار ارز باعث ارزش بیش از واقع و مصنوعی ریال در برابر سایر پول‌ها شده که ممکن است واردات رسمی و قاچاق کالاهای رقیب تولیدات داخلی را افزایش داده و باعث ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان و بسته‌شدن بسیاری از واحدهای تولیدی شود.

در حال حاضر، بسیاری از تولیدکنندگان به دلیل عدم امکان رقابت با واردات، ممکن است تولید خودشان را رها کرده و خود واردکننده‌ی همان تولیدات شوند و بعضاً با حفظ نام تولیدکننده، کالای خود را به نام مواد اولیه یا کالای واسطه‌ای وارد کرده و فقط آن‌را بسته‌بندی و به بازار روانه کنند؛ که می‌توان گفت این واردکنندگان به ظاهر شکل تولیدکنندگی خود را حفظ کرده‌اند؛ تا از مزایایی مانند وام‌های ارزان و معافیت‌های وارداتی بهره‌مند شوند، ولی در عمل تولید واقعی و اشتغال‌آفرینی ندارند؛ می‌توان مثالی در این باب بسیاری از ماشین‌سازان و تولیدکنندگان قطعات خودرو و لوازم خانگی اشاره کرد.

صادرات سنتی، مانند فرش و خشکبار از بابت سیاست تثبیت نرخ ارز در فاصله‌ی سال‌های ۹۰-۱۳۸۱ لطمات کلی دیده‌است؛ زیرا ایران طی این دوره با تورم‌های دو رقمی بین ۱۲ تا ۲۵ درصد مواجه بوده و هزینه‌های تولید حدود ۲۰۰ درصد افزایش یافته‌است. در حالی که افزایش نرخ دلار (و دیگر ارزهای خارجی) در حدود ۱۵ درصد بوده‌است. به افزایش هزینه‌های تولید و عدم جبران آن از محل افزایش قیمت ارز، صادرکنندگان توان رقابتی خود را از دست داده‌اند و کاهش شدید صادرات فرش طی یکی دو سال گذشته نمونه‌ی بارز آن است؛ اقلام خشکبار و کالاهای دیگر نیز دچار چنین مشکلی شده‌اند<sup>۱</sup> (بانک مرکزی ایران).

---

<sup>۱</sup> برای مثال یکی از دلایل کاهش صادرات فرش و خشکبار در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۶ همین روند سیاست تثبیت نرخ ارز بوده‌است.



با نرخ ارز مدیریت شده‌ی فعلی و کاهش مداوم نرخ ارز واقعی، تولید بسیاری از کالاها مقرون به صرفه نبوده و امکان دارد صادرکنندگان و تولیدکنندگان، به واردکننده تبدیل شوند که این خطر بزرگی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

## ۲-۴- رژیم‌های ارزی شناخته شده در جهان

تجربه‌ی بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که نرخ تورم بالا و بی ثبات، تاثیرات منفی شدیدی بر اشتغال و رشد تولید به جای می‌گذارد. به علاوه در شرایط تورمی، نگهداری کالاها و پول خارجی به جای پول داخلی، مانند جایگزینی تلقی می‌شود که قادر به ذخیره سازی ارزش پول است. پول کشورهایی که از نرخ تورم نوسانی و بالایی برخوردارند، واحد محاسبه ای ضعیفی است؛ چرا که تورم، موجب تخریب قیمت‌های نسبی می‌گردد و محاسبات حسابداری و قراردادهای مالی را در عمل مشکل می‌کند. یک پول قابل مبادله و تبدیل، پولی است که آزادانه بتواند با پول‌های خارجی در نرخ مبادله واحدی مبادله گردد. با ذکر این مقدمه به بررسی تعدادی از رژیم‌های ارزی شناخته شده اشاره می‌نماییم.

### ۲-۴-۱- نظام واحد پولی طلا<sup>۱</sup>

نظام واحد پولی طلا از سال ۱۸۸۰ میلادی تا شروع جنگ جهانی اول در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این سال‌ها، علی‌رغم اتخاذ سیاست‌های حمایتی از جانب برخی از کشورها، تجارت آزاد و حرکت سرمایه بین‌المللی، بدون مشکل از نظام واحد پولی طلا استفاده می‌کردند. در نظام مزبور، ارزش پول کشورهای مختلف با قیمت ثابت داده شده ای نسبت به طلا تعیین شده بود. با این حال، بسیاری از اقتصاددانان، تا اوایل دهه ۱۹۸۰، امید داشتند که این نظام دوباره برقرار شود تا جایی که در اوایل کابینه ریگان کمیسیون مسئول پیگیری احیای احتمالی مجدد آن شد.

---

1 Gold Standard

## ۲-۴-۲- نظام نرخ‌های ارز انعطاف‌پذیر

با شروع جنگ جهانی اول، نظام اقتصادی بین‌المللی نیز با نوسانات زیادی روبرو شد و موازنه‌ی تجاری کشورها به هم خورد. به این جهت، بسیاری از کشورها قادر به ادامه‌ی نظام واحد پولی طلا نبودند. اغلب کشورها مقرراتی را که برای نظام مزبور وضع شده بود نادیده گرفته و برای تعدیل مشکلات به وجود آمده در تراز خارجی خود به کاهش شدید ارزش پول مبادرت ورزیدند که به این جهت نظام پولی بین‌المللی از سال ۱۹۱۴ تا سال ۱۹۲۳ میلادی با نوسانات زیادی روبرو شد.

## ۲-۴-۳- ثبات ارزش پول‌ها

با فروکش نمودن شعله‌های جنگ جهانی اول و ثبات نسبی در تجارت جهانی و همچنین به دنبال همکاری‌ها و تلاش‌های بین‌المللی، ارزش پول کشورها بار دیگر از ثبات نسبی برخوردار شد. کشورها برای ارزش‌یابی پول‌های خود از نرخ‌های ارز قبل از جنگ استفاده نمودند. البته، در این دوران ارزش برخی از پول‌ها واقعی نبود و «ارزش‌گذاری بیش از واقعیت» پول‌ها باعث ایجاد اختلالات دوباره در تراز پرداخت‌های کشورها و متعاقباً بروز مشکلات عدیده‌ی اقتصادی برای آن‌ها شد. با این حال، طی سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۲۳ ثبات نسبی در ارزش پول‌ها به وجود آمد.

## ۲-۴-۴- نوسان دوباره ارزش پول‌ها

«ارزش‌گذاری بیش از واقعیت» پول‌ها از یک طرف و شروع منازعات بین‌المللی از سوی دیگر منجر به نوسان ارزش پول‌ها در بازارهای ارز خارجی شد. طی سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۳۰، تحولات زیادی در نظام پولی بین‌المللی مشاهده شد. برخی از کشورها برای جلوگیری از نوسانات شدید پول‌های خود، مراکز پنهانی

تشکیل دادند تا به هنگام عدم توازن تجاری و کاهش اجباری ارزش پول، جلوی کاهش ارزش پول داخلی گرفته شود. برخی از کشورها پول خود را به پوند استرلینگ انگلستان قفل کردند که این امر منجر به ایجاد «منطقه پوند استرلینگ» شد. برخی دیگر از کشورها، مانند فرانسه، همان سیاست واحد پولی طلا با نرخهای ارز گذشته را ادامه دادند و به «بلوک طلا» مشهور شدند. فرانسه نیز برای مقابله با کسری تراز پرداختها، برای اولین بار به منظور کاهش واردات، سیاست «سهمیه وارداتی» را اتخاذ نمود. استفاده از سیاست تحدید تجارت برای حمایت از صنایع داخلی نبود، بلکه برای تصحیح تراز پرداختها صورت گرفت. در نهایت، این کشور مجبور شد، در اواسط دهه ۱۹۳۰، از سیاست کاهش ارزش پول برای مقابله با مشکلات تراز پرداختها استفاده نماید، اما برای پیش گیری از مقابله به مثل کشورهای آمریکا و انگلستان، معاهده ای میان فرانسه و آن دو کشور به امضا رسید که به «موافقتنامه دوجانبه» مشهور است. این موافقتنامه به فرانک فرانسه اجازه کاهش ارزش را بدون هرگونه اقدام تلافی جویانه می داد. اما عمر آن بسیار کوتاه بود و با شروع جنگ جهانی دوم و اختلال شدید در نظام تجاری بین الملل، فرانسه نیز مانند سایر کشورها از نظام «کنترل ارزی»<sup>۱</sup> استفاده نمود.

## ۲-۴-۵- نظام پولی برتن وودز

بعد از جنگ جهانی دوم، اقتدار طلا در نظام پولی بین المللی کاهش یافت و به جای آن دلار از استحکام و قدرت بیشتری در بازار ارز خارجی برخوردار شد. در این نظام، کشورها ارزش پول خود را به دلار قفل کرده بودند. در حالی که، ارزش دلار نیز با برابری یک اونس طلا برابر ۳۵ دلار، به طلا قفل شد. در این نظام، کشورها بدهی های خود را به دلار می پرداختند و از دلار برای ذخایر بین المللی استفاده می کردند تا بعداً آن را با طلا معاوضه کنند. این سیستم به استاندارد مبادله طلا یا پایه طلا معروف گردید. بالاخره در

---

1 Exchange Control Regime

اوایل دهه ۱۹۷۰، مشکلات تراز پرداخت‌های ایالات متحده و عدم قابلیت تبدیل دلار به طلا منجر به سقوط نظام برتن وودز و شناور شدن بسیاری از پول‌ها در بازار ارز خارجی شد.

## ۲-۴-۶- رژیم نرخ‌های ارز شناور اداره شده

از مارس ۱۹۷۳ میلادی، رژیم نرخ‌های ارز شناور اداره شده به طور فعال در نظام پولی آمریکا، ژاپن و کشورهای اروپای غربی مورد استفاده قرار گرفت. در آغاز استفاده از این نظام داوطلبانه نبود، بلکه سقوط نظام پولی برتن وودز و وضعیت بحرانی بازار ارز، نظام نرخ ارز شناور را به کشورها تحمیل کرد.

## ۲-۴-۷- رژیم نرخ‌های ارز شناور گروهی<sup>۱</sup>

کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در «سیستم پولی اروپایی»<sup>۲</sup> از رژیم نرخ‌های ارز شناور گروهی که بر اساس نظریه «مناطق پولی بهینه» توسط رابرت ماندل اقتصاددان مشهور آمریکایی بنا نهاده شده بود، استفاده می‌کردند. در نظام مزبور، کشورهای عضو منطقه بهینه، ارزش پول خود را در مقابل کشورهای عضو ثابت نگه داشته ولی در مقابل اسعار کشورهای غیر عضو تغییر می‌دهند. امروزه، اکثر کشورهای در حال توسعه تمایلی به استفاده از نظام مزبور نشان نمی‌دهند و عمدتاً از یکی از انواع نظام های نرخ ارز ثابت استفاده می‌کنند.

## ۲-۴-۸- نظام نرخ‌های ارز ثابت اداره شده

در نظام نرخ‌های ارز ثابت، نرخ ارز نوسانی ندارد و زمانی نیز که فشارهای اقتصادی بر نرخ ارز زیاد باشد، به ندرت نرخ ارز تغییر می‌کند. در نظام برتن وودز نرخ ارز می‌توانست در محدوده‌ی یک درصد به

1 Joint Floating Exchange Rate Regime  
2 European Monetary System